

# سیاره همدلی



نویسنده : علیرضا یهندو

IRAN ISBN AGENCY

خانه کتاب - شابک  
ایران



ناشر: بهنود، علیرضا

مؤلف

محترم

ردیف	عنوان کتاب	شابک	پدیدآوران کتاب	نوبت چاپ	تیراژ
1	سیاره همدلی	978-622-00-0081-5	علیرضا بهنود	1	5000

نشانی: خیابان انقلاب، بین فلسطین و صبای جنوبی، شماره 1080، خانه کتاب، طبقه اول، تلفن:  
66414991 66415360 و 66414950 داخلی 209 و 210، دورنگار:

ISBN

9 786220 000815 >

## به نامش

### مقدمه

در این عالم بی انتها و در بین سیاره های بی شماری که توانسته ایم کشف کنیم تا به امروز نتیجه وجود حیات در سیاره های دیگر منتفی می باشد و تنها در سیاره خودمان یعنی زمین زندگی و حیات بدان گونه که ما میشناسیم وجود دارد. وقتی به این فکر میکنم که در این عالم پهناور تنها انسانهایی هستیم که زندگی میکنیم ترس همه وجود من را در بر میگیرد و فکر زندگی آینده ما انسانها در این کره خاکی و چه خواهد شد افکارم را اذیت میکند ولی وقتی به اینکه آفریننده ای حتما هست فکر میکنم کمی من را تسکین میدهد. این تنهایی باید عامل همدلی بین ما انسانها باشد و با فکر به این که چرا ما انسانها بعد از دست دادن یکی از عزیزان خودمان ناراحت میشویم و در زمان زندگیش اگر آزاری به او نرسانده باشیم یار و یاور نیز نبوده ایم و اتفاقاتی که برای ما انسانها شاید در آینده بیفتد چنانکه در گذشته بدون اینکه فکرش را بکنیم افتاده است، من را به فکر نوشتمن این کتاب انداخت. این کتاب برگرفته از تخیلات من در

مورد وجود زندگی در سیاره‌ای به نام سیاره همدلی می‌باشد که آنها هم مثل ما خودشان را تنها حیات زنده در عالم می‌دانند و نتوانسته اند حیاتی غیر از خودشان در سیاره‌های دیگر پیدا کنند و اتفاقی که برای سیاره آنها می‌افتد باعث می‌شود با هم همدل و مهدبان باشند و اسم سیاره خود را هم سیاره همدلی بگذارند. داستان زندگی خانواده‌ای می‌باشد که در سال دو هزار و بیست و هفت به تاریخ سیاره همدلی زندگی می‌کنند و از اول پیدایش زندگی در سیاره همدلی از سلسله اجداد نسل به نسل خود که اجداد شان به جا گذاشته اند، باخبر هستند و به آن افتخار می‌کنند و از آثار به جا مانده از اجداد شان صاحب نمایشگاهی می‌باشند که امتیاز این نمایشگاه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و باعث منبع درآمد آن خانواده نیز می‌باشد. خانواده را با نام خانواده اولدر می‌شناسند و رسم نام گذاری در سیاره همدلی این گونه می‌باشد که نام کوچک را عدد روز و ماه تاریخ تولد می‌گذارند و آقای توناین اولدرو خانم وان الیون اولدر صاحب دو فرزند یکی پسر به نام تری وان اولدريازده ساله و دیگری دختر به نام ایت سون اولدرنوزده ساله می‌باشند. که در اینجا از نام عددی آنها استفاده می‌شود یعنی ناین پدر و الیون مادر و وان پسر و سون دختر.

داستان از صبح یکی از روزهای مثل روزهای دیگر سیاره  
همدلی در خانواده اولدر شروع می‌شود.

الیون : ناین عزیزم بیدار شو صبحانه حاضره.

ناین : عزیزم ساعت چنده مگه؟

الیون : یک ربع به هشت.

ناین : عزیزم تامن دست و صورتم را بشورم بچه ها را  
بیدار میکنی؟

الیون : باشه.

همه خانواده سر میز برای صرف صبحانه حاضرند.

ناین : دخترم بعد دانشگاه حتما بیا نمایشگاه. من و  
مادرت باید بریم بیمارستان.

سون : باشه بابا.

وان : بیمارستان چرا مگه چی شده؟

سون : قراره زن عمو بچه بیاره وان.

ناین : پسرم دختر عمومت امروز به دنیا میاد.

الیون : دخترم سرویس دانشگاه دم در منتظره زود باش.

سون : خب من رفتم.

اليون : پسرم تو هم زود بخور الان سرويس مدرسه ات  
ميرسه.

وان : مامان من خوردم. مامان نميشه منم بيرين  
بيمارستان دختر عموم رو ببینم؟

اليون : نه پسرم بيماستان نميشه وقتى رفتن خونشون  
ميبرم ببینى. به سرويس گفتم بيره خانه خاله. خاله رو  
اذيت نکن باشه مامان؟

وان : باشه. سرويس او مد من رفتم.

ناين : مواطن خودت باش پسرم.

وان : باشه بابا.

اليون : ميگم آقا کادو چي بگيريم؟  
ناين : عزيزم هر چي شما صلاح بداني.

اليون : به نظر من براش يك حساب بانکی باز کنيم و پول  
کادو رو بريزيم به حسابش. نظرت چيه؟

ناين : عزيزم فعلا به دنيا نيومده و نميشه کسی که  
نيست، براش تو بانک حساب باز کرد.

اليون : راست ميگي نميشه.

ناین: این تست هوش از اون تستهای سخت بود  
درسته؟

الیون: نه باورکن ندونستم. حالا پس تا ظهر فکر کنم اگه  
چیزی به نظرم رسید موقع رفتن به بیمارستان برash  
میخريم.

ناین: باشه عزیزم کاری نداری من رفتم.

الیون: مواطن خودت باش و اینم بدون خیلی دوستت  
دارم.

ناین: منم خیلی دوستت دارم.

و ناین سوار ماشین شده و به طرف نمایشگاه حرکت  
میکند. بعد از ظهر می شود و سون وارد نمایشگاه می  
شود.

سون: سلام بابا ظهر بخیر.

ناین: سلام دخترم ظهر تو هم بخیر بیا بشین پشت میز،  
لیست افراد بازدید کننده در داخل اینهاست و لیست  
بعدی هم اینه. بلدى که به پرسش بازدید کننده هادر  
مورد اشیاء و لوازم و تابلوها جواب بدی؟

سون: آره بابا.

ناین: پس من رفتم.

سون : سلام برسان به عمو و زن عمو.

ناین سوار بر ماشین به طرف خانه میرود تا با همسرش  
به بیمارستان بروند و دم در با الیون تماس میگیرد.

ناین : سلام عزیزم من پایین منتظرم.

الیون : سلام آقایی چشم او مدم.

الیون از خونه میاد بیرون و سوار ماشین میشود.

ناین : عزیزم مثل همیشه زیبا و شیک شدی، واقعاً  
افتخار میکنم به خودم که شما همسرم هستین.

الیون : آقایی با مردی خوش تیپ مثل شما مگه چاره ای  
هم میمونه برام!

ناین : عزیزم فکر کردی که چی باید بخریم؟

الیون : آره . یک واحد بیت کوین انتقال میدیم به حساب  
مادرش به شرط اینکه بعد از تولد، خودشون حساب  
براش باز کنند و انتقال بدنده به حساب دخترشان.

ناین : فکر عالیه. عزیزم امروز بازدید کننده ای در مورد  
نسل هفتم خیلی سوال میکرد و من گفت چرا و چگونه و  
با چه استدلالی باید یک شب بخوابند و بعد از بیدار شدن  
بفهمن که چندین سال تو خواب بودند و باز به فکر  
انداخت منو که از لحاظ منطقی نمیشه چنین اتفاقی

بیفت و طرح این پرسش باز ترس منواز به خطر افتادن اطلاعات دست به دست شده که شاید نادرست باشد، فراگرفت.

الیون: این مسئله یکی از پرچالش ترین اطلاعات اجداد شماست و حتما باید برایش دلیل منطقی پیدا شود و گزنه من هم می‌ترسم باعث از بین رفتن تلاشهای چندین ساله اجدادتان بشود.

ناین: منم موافقم حتما باید جوابی منطقی با مطالعه دقیق تر و کارشناسی تر به این نقطه مبهم پیدا کنیم.

الیون: آقایی من به هوش و استعداد شما باور دارم و می‌دانم حتما جواب منطقی برایش خواهید یافت.

ناین: حتما با همفکری شما! شماره کیف پول زن داداش رو گرفتی؟

الیون: آره. الان با موبایل آمادش کردم فقط مانده شما منوی ارسال رو لمس کنین تا تایید بشود.

ناین: عزیزم این کاره سخت رو هم خودتان انجام بدین!

الیون: هرچی شما بگین آقایی. اینم از ارسال و تایید شد و تمام.

ناین : اینم از بیمارستان، شما پیاده شین من پارک کنم  
بیام.

الیون : چشم.

ناین ماشین را پارک میکند و با الیون وارد اتاق بخش  
زایمان بیمارستان می شوند. اسم برادر ناین فورد و  
همسرش ایت می باشد. بعد از سلام و احوال پرسی.

الیون : ناین ببین چه خوشگله؟

ناین : فکر کنم به زن داداش شبیه تا داداش.

الیون : اسمش که وان تری میشه و بر عکس اسم پسرم  
وان!

فورد : داداش واقعا راضی به زحمت نبودیم در مورد بیت  
کوین. همین که هستین خودش بهترین هدیه است.

ناین : داداش حالا کجاش و دیدین بزار بزرگ بشه باهاش  
کار دارم!

الیون : آره داداش فورد، وان ببینه کار دیگه تمومه و فکر  
کنم دیگه دختر خودمون بشه!

ایت : داداش ناین و الیون، شما بزرگ مایی هر چی شما  
بگین.

ناین: زن داداش به سلامتی بزرگ بشه خودش تصمیم  
باید بگیره.

و بعد این مباحث فورد و ایت مسئله رو که تو بیمارستان  
شنیدن به ناین و الیون توضیح میدند.

فورد: داداش تو بیمارستان دکترها از اتفاق عجیبی که  
افتاده و علم پزشکی رو درگیر کرده صحبت می کردند.

ناین: چه اتفاقی؟

فورد: میگن مدتی هست که خانواده ها نمی تونند  
صاحب بیشتر از یک فرزند بشن.

الیون: داداش فورد حتما خانواده ها خودشون نمی  
خوان.

فورد: نه زن داداش مسئله چیزه دیگه ای هست.

ایت: الیون دکترها میگن یک نوع اتفاق و یا بیماری  
باعث می شه و می گن خیلی وقته این اتفاق افتاده و  
دولت نمی خواهد رسانه ای بشه. میگن کل توان پزشکی  
رو بسیج کردن تا دلیلش رو بفهمن.

ناین: با این پیشرفت علم حتما دلیلش رو می فهمن.

فورد: داداش می گن اگه برآش راهی پیدا نشه در آینده  
باعث انقراض نسل بشر میشه!

وقت ملاقات تمام میشه و ناین و الیون سوار ماشین  
میشن.

الیون : عزیزم این اتفاق تک فرزندی اگه راهی براش پیدا  
نشه خیلی زود باعث انقراض بشریت میشه.

ناین : واقعاً وحشتناک میشه اگه راهی براش پیدا نکنند و  
من مطمئنم حتماً راهی براش پیدا نمیکنن.

الیون : آقا با اجازت سون رو بردارم برم خونه خواهرم؟  
ناین : عزیزم پس بریم نمایشگاه و با سون و ماشین من  
برین.

الیون : پس غذاتو بیارم نمایشگاه بخوری؟  
ناین : نه عزیزم اگه گشتنم شد سفارش میدم بیارن.  
بعد از پیاده شدن ناین، الیون و سون میرن خونه خواهر  
الیون که اسمش توفایو و اسم شوهر خواهرش تریتو  
هستش.

الیون : سلام فایو.  
فایو : سلام الیون. سلام سون جونم خوبی خاله.  
سون : خوبم خاله شما خوبی.  
فایو : مگه میشه شما رو ببینم و خوب نباشم.

اليون : فایو میگم وان اذیت که نکرده؟

فایو : نه خواهر چه اذیتی؟ از وقتی او مده خوابیده.  
میگفت امروز درس زیاد خوندم خوابم میاد.

اليون : شوهرت حالش خوبه؟

فایو : اونم خوبه وقتی بهش گفتم وان قراره بیاد پیشم  
خوشحال شد و گفت که حتما شام دور هم باشیم.

بعد از احوال پرسی و پذیرایی فایو الیون اتفاقات افتاده  
رو به فایو میگه.

الیون : فایو امروز تو بیمارستان میگفتند که اتفاقی یا  
بیماری مدتی هست باعث شده نشود بیشتر از یک  
فرزند بدنیا آورد.

فایو : خواهر مگه میشه، حتما سیاست دولت هستش.

الیون : نه فایو، اونجوری که میگفتند عاملش فعلا  
ناشناخته هستش و مدتی هست که اتفاق افتاده و دولت  
نمیخواسته همه با خبر بشن تا باعث هرج و مرج نشه.

فایو : یعنی تو همه کشورها اینحوریه.

الیون : اینو نمیدونم ولی اگر علتش رو پیدا نکنند باعث  
انقراض نسل بشر میشه.

فایو: با این پیشرفت علم حتماً روش درمانش رو پیدا می کنن.

الیون: فایو میگن مدتی هست که دولت خبر دارد و اگه تونسته بودن حتماً تو این مدت علتش رو فهمیده بودن.

فایو: اتفاقه خیلی مهمیه و باید صبر کرد تا ببینیم چی میشه. به ناین زنگ بزن بگو که شام بیاد.

الیون: فایو راضی به زحمت نیستیم بزار بمونه برای بعد.

فایو: چه زحمتی خواهد. مگه من غیر شما کی رو دارم. تریتو هم تاکید کرده که شام دور هم باشیم.

الیون: پس بزار تماس بگیرم. سلام ناین.

ناین: سلام عزیزم.

الیون: فایو و تریتو میگن شام دور هم باشیم.

ناین: هرچی شما صلاح بدلونین عزیزم.

الیون: عصر میام دنبالت.

ناین: نه عزیزم من به تریتو میگم بیاد دنبالم.

الیون: باشه عزیزم. مواظب خودت باش.

ناین: چشم.

عصر ناین و تریتو با هم وارد خونه میشن و بعد از  
احوالپرسی و خوردن شام صحبت ها شروع میشه.

فایو: تریتو شنیدی عامل ناشناخته ای باعث شده  
صاحب بیشتر از یک فرزند نشد. تو دکتری و حتما باید  
خبر داشته باشی.

تریتو: آره خبر دارم و متاسفانه حقیقت دارد. من یک  
سال میشه میدونم.

فایو: یک سال میشه! چرا به من نگفتی.

تریتو: آخه عزیزم خودت که میدونی دکترها محروم  
اسرارن. این مسئله در آن زمان زیاد جدی نگرفته شد و  
فکر میکردیم حتما راهی برای درمانش خواهیم یافت  
ولی متاسفانه نتوانستیم دلیلش رو بفهمیم تا راهی  
براش پیدا کنیم. ولی دو سه روزه دولت تصمیم به انتشار  
این خبر گرفته تا بلکه بتوان با کمک همه رشته ها راهی  
برای فهمیدن دلیل اتفاقش پیدا کرد.

ناین: تریتو چقدر احتمال دارد بشود راهی برash پیدا  
کرد؟

تریتو: ناین راستشو بگم که خیلی احتمالش کمه و تو این مدت که آزمایشهای پیچیده و مطالعات دقیقی هم که برای فهمیدن دلیلش انجام شده، به شکست انجامیده.

الیون: تریتو به نظرت باعث انقراض نسل ها بشه؟

تریتو: الیون اگه راهی نشود براش پیدا کرد حتما باعث انقراض بشریت در آینده خواهد شد.

در این بین پخش خبری در شبکه خبری از تلویزیون نگاه همه رو جلب کرد.

مج瑞: با سلام به همه بینندگان خبر ویژه و سلام و خوش آمد خدمت وزیر محترم درمان و پزشکی.

وزیر: منم سلام دارم خدمت بینندگان محترم و شما و همکاران تان.

مج瑞: جناب وزیر خبری در بین مردم پخش شده مبنی بر بروز بیماری ناشناخته که باعث میشود زنها نتوانند بیشتر از یک مورد زایمان داشته باشند، آیا این خبر تایید میشود؟

وزیر: متاسفانه حدود یک سال پیش ما با توجه به آمار متولдین پس بردیم که کلیه زنان بستری جهت زایمان، اولین زایمانشان می باشد و با دقت و مطالعه فهمیدیم

که آخرین زایمان دو فرزندی مربوط به دو سال قبل می باشد و در واقع دو سال میشود که هیچ زنی دومین زایمانی انجام نداده است.

مجرى : آقای وزیر بفرمایید که این اتفاق خاص مربوط به کشور ماست و یا بین المللی می باشد؟

وزیر: در سال قبل با دستور رئیس جمهور تیمی محترمانه مشکل از سیستم های امنیتی و دفاعی تشکیل شد تا بررسی نماید که عامل این اتفاق آیا حمله بیولوژیکی یا ویروسی از طرف جوامع دیگر می باشد که با تحقیق و مطالعه فهمیدیم این عامل ناشناخته در همه جوامع اتفاق افتاده و دولتهای آنها اصلا خبر نداشتند و ما آنها را از این اتفاق مطلع نمودیم.

مجرى : آیا عامل این اتفاق میکروب یا ویروس می باشد و آیا زن یا مرد عامل این اتفاق می باشند؟

وزیر: با مطالعه و آزمایش‌های محترمانه پیشرفته پزشکی دلیل وجود ویروس یا میکروب منتفی می باشد و این اتفاق هنوز ناشناخته می باشد و تیم های تخصصی ویژه ای با همکاری جوامع بین المللی تشکیل و در حال تحقیق و مطالعه می باشند و در مورد سوال دوم شما که تا دلیل بروز این اتفاق کشف نشود نمی شود گفت

عامل زن هست یا مرد. متأسفانه با تحقیق روی همه گونه های پستانداران، متوجه شدیم این عامل ناشناخته در پستانداران نیز باعث بروز این اختلال شده است.

**مجري : آپا اپن روند منجر به انقراض بشریت خواهد شد؟**

وزیر: با نشست سران جوامع مختلف، کارگروهی بین المللی تشکیل شده است که خانواده های بدون فرزند باید طبق اصول برنامه ریزی شده در آن اقدام به فرزند آوری کند تا منجر به تعادل نسل های پیش رو از لحاظ سنی شود و تا یافتن عامل و درمانش بتوان از انقراض جلوگیری کرد.

مجرى: این برنامه ریزی آیا دخالتی در آزادی انسانها خواهد داشت؟

وزیر: متأسفانه باید بگم جهت پیشگیری از انقراض  
بشریت باید مردم همکاری نمایند و آزادی بعد از انقراض  
بشریت معنی نخواهد داشت، پس دولتها مجبور به تغییر  
برخی از بندهای قوانین می باشند تا بتوان با هماهنگی از  
انقراض جلوگیری نمود. ما از زمان پیدایش حیات در این  
سیاره با چنین فاجعه‌ای روبرو نشده بودیم و این عمل  
ناشناخته طبق نظر دانشمندان، شاید باعث از انقراض  
دایناسورها شده باشد و با تحقیق متوجه پیدایش

موجودات تازه‌ای شده‌ایم، نه اینکه تازه کشف شوند بلکه تازه خلق شده‌اند و این ترس در بین دانشمندان بوجود آمده که شاید پیدایش حیات مرحله‌ای می‌باشد و مثل انقراض دایناسورها، نوبت انقراض ما پستانداران نیز رسیده باشد. البته این موضوع فعلاً در حد تئوری می‌باشد و به همین خاطر از همه مردم می‌خواهم طبق مواد بیانیه کارگروه عمل کنند تا بلکه بتوان از انقراض بشریت با برنامه ریزی چلوگیری نمود.

مجدی: تشکر میکنم از وزیر محترم و همچنین از شما پیشنهادگان بخش ویژه خبری.

اليون : به نظرم بحران خيلي عميق تراز آنچه من فکر من  
کردم من باشد.

ناین: عزیزم علم در همه عرصه ها پیشرفت کرده و به نظرم راهی برای این پیشامد و جلوگیری از آن حتما خواهد یافت. نظر تو چیه تریتو؟

تريتو: با نظر تو موافقم به شرطی که عامل اصلی اين اتفاق را بتوان فهميد. اگر عامل اين اتفاق کشف شود حتما می توان راهی برای درمانش پیدا کرد.

بعد از اتمام مهمانی خانواده اولدر سوار بر ماشین به طرف خانه حرکت می کنند.

ناین: این اتفاق حتما باعث دخالت در مسائل داخلی خانواده‌ها خواهد شد.

الیون: در چه مسائلی؟

ناین: حتما در انتخاب بنیان خانواده اعم از ازدواج اجباری و شاید کدام دختری با کدام پسر ازدواج کند و در چه زمانی صاحب فرزند شوند و مثل اینها.

الیون: حتما هم موقع زایمان نجات جان نوزاد مهمتر از نجات جان مادرش خواهد بود. این اتفاق من را خیلی می‌ترساند.

ناین: باید صبر کرد تا بینیم در آینده چه خواهد شد.

بعد از ده سال بدون کشف علت و عامل وجود اتفاق و ثبت قوانین سخت گیرانه برای مردم می‌گذرد. سون که خواستار ازدواج با دوست پسرش که در دانشگاه با هم آشنا شده‌اند می‌باشد و طبق قانون جدید، آزمایش سلامتی برای بچه دارشدن داده‌اند و نتیجه آزمایش جهت موافقت ازدواج به منزل اولدر ارسال می‌شود و الیون جواب آزمایش را دریافت می‌کند و سریع باناین تماس می‌گیرد.

الیون : ناین امروز جواب آزمایش سون رو دریافت کردم و نتیجه اش مثبت هستش یعنی می تونن با هم ازدواج کنن.

ناین : عزیزم خیلی خوشحال شدم چون می ترسیدم اگر جواب منفی بشود از لحاظ روحی ضربه شدیدی به سون وارد بشه و مثل دختر همسایه و خیلی های دیگر اقدام به خودکشی بکند.

الیون : به نظرم باید سریع به سون اطلاع بدیم چون خیلی استرس داشت.

ناین : عزیزم خودت تماس بگیر و بهش بگو.

الیون تماس میگیرد و به سون نتیجه آزمایش را اطلاع می دهد که باعث خوشحالی سون می شود و طبق قانون جدید، هماهنگی های لازم برای ازدواج فراهم میشود. طبق قانون جدید هزینه های ازدواج را دولت پرداخت می کند و تا تولد فرزند، تاریخ نزدیکی زوج نیز توسط دولت تعیین می شود و از زمان ازدواج تا صاحب فرزند شدن، کلیه امورات زندگی اعم از مسکن و رفت آمد و مسافرت و تغذیه تحت کنترل شدید دولت صورت می گیرد تا بتوان از اتفاقات غیره متوجه برای تولد جلوگیری و احتمال خطر برای بچه دار شدن کاهش یابد.

زمان زایمان سون فرا میرسد و الیون و ناین در  
بیمارستان منتظر بدنیا آمدن نوه شان هستند.

الیون : ناین من خیلی نگرانم.

ناین : عزیزم نگران نباش من مطمئنم نوه مان به  
سلامتی بدنیا میاد.

دکتر : تبریک میگم نوه شما یک دختره و هردو در  
سلامت کامل هستند.

الیون : آقای دکتر کی میتونیم بینیم.

دکتر : همین الان.

الیون و ناین سریع به بخش زایمان میرن.

الیون : سون جونم من فدات شم. ناین بین دخترمون  
چه نوه خوشگلی برآمون آورده.

ناین : دخترم حالت خوبه.

سون : خوبم بابا.

الیون : خانم پرستار کی میتونم بغلش کنم.

پرستار : طبق قانون تایک سال باید تحت نظر باشد و در  
این مدت به غیر از مادرش هیچ کس اجازه ندارد به بچه  
دست بزند. یک خبر هم به شما بدم که تیمی از

متخصصان علت وجود عامل ناشناخته رو پیدا کردند و بزودی راهی برای درمان نیز پیدا میکنند.

عصر همان روز آقا و خانم اولدر در خانه که داشتند تلویزیون نگاه میکردند، خبری مهمی پخش شد.

مج瑞: وزیر محترم پزشکی و رئیس کارگروه ویژه مهمان ویژه خبری ماهستند و قراره خبر مهمی رو به اطلاع عموم برسانند. آقای وزیر خوش آمدید.

وزیر: سلام میکنم خدمت بینندگان و شما و همکارانتان. تیمی مشکل از متخصصان کلیه رشته ها توانستند عامل ناشناخته که باعث مشکل تک فرزندی میشد را پیدا کنند. متخصصان فیزیک و ستاره شناسی متوجه شدند که پرتو های نور ستاره ای که میلیارد ها سال نوری با سیاره ما فاصله دارد دلیل تداخل در دی ان ای پستانداران شده است و باعث عدم شناسایی کدهای کروموزون مرد از سوی رحم مادر در تشکیل فرزند دوم میشود. این ستاره که حامل پرتو های اشعه ای ناشناخته که بی اچ (bh) نامگذاری شده می باشد، هنگام پیدایش اولیه جهان در سیزده و هفت میلیارد سال پیش متولد شده و با اتمام انرژی در خود فرو رفته و منجر شده است که پرتو هایش در دوازده سال پیش به سیاره ما

رسیده و باعث تغییر در دی ان ای پستانداران شده است. دانشمندان ثابت کردند قبل از اتفاق مشابه این باعث انقراض دایناسورها شده است و استدلال برخورد شهاب سنگ که تا به امروز به آن باور داشتیم، نادرست می باشد. این کشف بزرگ را به عموم مردم تبریک میگوییم و قول میدهم بزدی درمان قطعی برایش خواهیم یافت.

بعد از گذشت یک سال متخصصان واکسنی به نام بی اچ (bh) جهت درمان تولید میکنند و که با تزریق آن به انسانها و حتی حیوانات باعث جلوگیری از انقراض در سیاره می شوند و به علت این اتفاق که باعث نزدیکی جوامع از هرگروه و نژادی به هم شده بود، تصمیم میگیرند نام سیاره خود را سیاره همدلی بگذارند. خانواده اولد پرشان وان نیز ازدواج کرده و ناین و الیون تنها شده اند.

ناین : عزیزم من دلیل منطقی برای خوابیدن چند ساله نسل هفتم اجدادمون نیز یافتم و حتما پرتوی ناشناخته یک شهاب سنگ می تواند باعثش باشد.

الیون : عزیزم دیدی می تونی دلیلش رو پیدا کنی، من به هوش تو ایمان دارم. عزیزم یک مسئله ای رو بہت بگم.

ناین : چی شده عزیزم؟

الیون : چند روزه حالت تهوع دارم!

# پایان

